



خطای نجات یافتگان

فرماندهان نیروی هوایی متفقین افراد اوموشی بدوخته داده‌های بخش‌هایی می‌کنند. سازمان‌های نجات‌یافته‌ها می‌نهند شده و خلاصه هر نوع نجات‌یافته‌ها توجه‌کننده و به این دلیل تحلیل‌های ما با خطا و سوگیری همراه باشد. خطرناک بودن این خطا را در جاست که نجات‌یافته‌ها عمدتاً نابود و نابینا می‌شوند، از دید پنهان و از نظر مخفی می‌مانند و مطالعه آنها فراموش می‌شود. شکست مخفی می‌ماند و ما با احتمال زیادی نهنما را خاطر می‌بریم که نمونه‌های نجات‌یافته اطلاعات بسیار مهمی دربر دارند و باید به آنها بیشتر توجه بود. بلکه فراموش می‌کنیم که اصلا شکست‌خورده و ناموفق وجود داشته است.

فرماندهان نیروی هوایی متفقین افراد اوموشی بدوخته داده‌های بخش‌هایی می‌کنند. سازمان‌های نجات‌یافته‌ها می‌نهند شده و خلاصه هر نوع نجات‌یافته‌ها توجه‌کننده و به این دلیل تحلیل‌های ما با خطا و سوگیری همراه باشد. خطرناک بودن این خطا را در جاست که نجات‌یافته‌ها عمدتاً نابود و نابینا می‌شوند، از دید پنهان و از نظر مخفی می‌مانند و مطالعه آنها فراموش می‌شود. شکست مخفی می‌ماند و ما با احتمال زیادی نهنما را خاطر می‌بریم که نمونه‌های نجات‌یافته اطلاعات بسیار مهمی دربر دارند و باید به آنها بیشتر توجه بود. بلکه فراموش می‌کنیم که اصلا شکست‌خورده و ناموفق وجود داشته است.

فرماندهان نیروی هوایی متفقین افراد اوموشی بدوخته داده‌های بخش‌هایی می‌کنند. سازمان‌های نجات‌یافته‌ها می‌نهند شده و خلاصه هر نوع نجات‌یافته‌ها توجه‌کننده و به این دلیل تحلیل‌های ما با خطا و سوگیری همراه باشد. خطرناک بودن این خطا را در جاست که نجات‌یافته‌ها عمدتاً نابود و نابینا می‌شوند، از دید پنهان و از نظر مخفی می‌مانند و مطالعه آنها فراموش می‌شود. شکست مخفی می‌ماند و ما با احتمال زیادی نهنما را خاطر می‌بریم که نمونه‌های نجات‌یافته اطلاعات بسیار مهمی دربر دارند و باید به آنها بیشتر توجه بود. بلکه فراموش می‌کنیم که اصلا شکست‌خورده و ناموفق وجود داشته است.



مهدی جوانمرد، نویسنده و مترجم ایرانی، مدیر مجله شهروند

شما، احتمالاً کتاب‌ها، وبلاگ‌ها و سرگذشت افشار موفقی را مطالعه می‌کنید. برنامه‌های تلویزیونی از افشار موفقی دعوت می‌کنند تا روز پیروزی خود را برای دیگران بیان کنند. حتی نویسنده‌گان معروفی مثل تام پترز و جیم کالینز نیز سازمان‌های موفقی را مطالعه می‌کنند تا روز پیروزی آنها، راهگشای سازمان‌های دیگر در مسیر تعالی باشد. در حقیقت بخش قابل توجهی از دانش حوزه کسب‌وکار و مدیریت، پندها و سرگذشت افراد با سازمان‌هایی است که موفقیت درختان داشته‌اند.

ما برخلاف حکمتی که افشار موفقی در نوشته‌ها و سخنانش کارآفرینی که بسیار کسب‌وکارهای مختلفی را شروع کرده و در هیچ کدام موفقی نبوده توجه نمی‌کنیم، چرا که درس اوموشن از کسی که خود هنوز آن درس را نیاموخته به نظر غیرمنطقی می‌رسد. اما این تمایل ما برای اوموشن از موفقیت‌ها و بی‌توجهی به شکست‌ها، سامه‌سازتر از آن چیزی است که در نگاه اول به نظر می‌رسد. درست در میانه جنگ دوم جهانی، هنگامی که نبردها خونین و خونین‌تر و تلفات بیشتر و بیشتر می‌شد، طرفین بیش از پیش متوجه شده بودند که سرزشت جنگ بستگی به تلاش‌های محققان و دانشمندان دارد که در پشت جبهه‌ها به حل مسائل نظامی و پیدا کردن روش‌های علمی برای برتری‌جویی بر دشمنین مشغول هستند. استاید و پژوهشگران تراز اول در رشته‌های مختلف به ارتش پیوسته بودند تا با رفع موانعشان از نجات و سرزشت جنگ را به نفع خود تغییر دهند. یکی از این تخنیک‌ها، رایشیان جاری به نام ابراهام بود که با تدکتر خطای نجات‌یافته‌ها به مهندسان نیروی هوایی متفقین، جان افشار زبانی را نجات داد.

ابراهام والد که تحصیلات خود را در ارتش نزد کارل منگر (بسر کارل منگر معروف) به پایان رسانده بود در ۱۹۳۸ به ایالات متحده مهاجرت کرد و پس از چندی به دیپارتمان رایشات کارپردی ارتش پیوست. در آن زمان یکی از بحرانی‌ترین مشکلات متفقین، نرخ بالای سرزرتونی بمبافکن‌های آنان توسط هواپیماهای آلمان بود. بمبافکن‌های سوسیالیست متفقین در آن زمان سنگین، کند و بسیار پیکر بودند و هدف نسبتاً آسانی برای یافتن و جنگنده‌های متحدین به حساب می‌آمدند.

تقریباً از هر دو بمبافکنی که برای ماموریت بر فراز مواضع آلمان اعزام می‌شد، یکی از آنها به آشیانه بازمی‌گشت. سوزنی که جناب ابراهام والد به همراه تیمی از مهندسان ارتش باید برای آن راه‌حل پیدا می‌کرد، این بود که چگونه شانس سرزرتونی بمبافکن‌های متفقین را کمتر کنند. مهندسان نیروی هوایی می‌دانستند که پوشاندن بدنه هواپیما را به زره اضافی می‌تواند شانس سرزرتونی هواپیما را در صورت اصابت گلوله کاهش دهد. اما پوشاندن کامل بدنه هواپیما و تبدیل آن به یک تانک بدون پناه بندی که هواپیما آنقدر سبک نشود که نتواند پرواز کند پس از آنها می‌بایست بود. در نظر فیزیکی، بدنه هواپیما را از توتون کنند. توتون، ماده‌ای است که در هواپیما قرار گرفته‌اند بدنه هواپیما را به هم می‌چسباند و سوزنی که در آن قرار می‌گیرد، در بدنه هواپیما ایجاد می‌کند. در ناچار زسیر بال‌ها، اطراف دم و تنه اصلی هواپیما است، تنه، تنه و دم.

زایه

نجات از ناکامی و درماندگی

می‌روند. اما در حالت کلی تر و وقتی جملهای دیگر چاک سرخوردگی جمعی می‌شود راهبایی وجود دارد که می‌تواند مردم جامعه را از این بحران خارج کند. متأسفانه جامعه امروز ما دچار درماندگی اوموشنی شده است. مردم برای انجام هر کاری به در بسته می‌خورند. کسی که تصور می‌کند می‌تواند با کار کردن تا سال آینده خفته بخرد و وقتی بعد از سال متوجه می‌شود که تمام محاسباتش به هم ریخته، یعنی با ناکامی مواجه شده است. این نلماها هر روز عوض می‌شود و هیچ‌کس در مورد آینده شغلی‌اش اطمینان ندارد و نمی‌داند یکسال آینده قرار است چه چیزی پیش بیاید. همین استرس‌ها می‌تواند در زندگی آرزو دهنده باشد. با مثال‌های دیگری که می‌بایست و اقتصاد بر سر هم می‌آید، مردم سایه انداخته است. همگی جزو مشکلاتی است که جامعه را دچار یک سرخوردگی اجتماعی کرده است. جامعه‌ای که ثبات ندارد و یک جامعه دمدمی است که در کاری را با این‌بست مواجه می‌کند. مهم‌ترین راحل هم از نظر من در ۱۳۴۳ مهم و اساسی خلاص می‌شود، حاکمیت قانون، ثبات و احترام به خواست مردم.

اصول است که اگر دولت‌ها به آن پایبند باشند ما می‌توانیم از این بحران درماندگی جمعی نجات پیدا کنیم.

متأسفانه همیشگیان تفکر و وجود داشته که یکسختی کلی مبارز و فردا همه را به مبتداندیشی دعوت کنیم در حالی که خود این نگامشما در حالی که مشکلات است. ما نمی‌توانیم با حرف‌های خوب مردم را به کامیابی دعوت کنیم.

تشریفاتی که بتواند آنچه بگوید کند و آن را به تحرک و کار دارد می‌تواند وسیله‌ای باشد که فرد از اثر و اثر خود شوق متلازم مردم رعایت کردن قانون و بی‌اعتنایی بودن به آن اگر اقرار یک جامعه به صورت عینی و ملموس ببینند که تبعیت از قانون برای آنها پایداری معنی خواهد داشت و برای کاری که می‌کنند ارزش قابل هستند بدون شک جامعه‌ای که هیچ مرجع و قانون شکنی یک نوع ارزشمندی به حساب می‌آید بدون شک مردم جامعه کم‌کم از احترام به قانونی که می‌گذارد سرخورده می‌شوند و به سمت بی‌قانونی پیش

اطمینان و خروج از بحران فردی-اجتماعی

استفاد از آزاد | روانشناس

فرد یا جامعه‌ها به طور کلی به دو دسته بحران‌های فردی و اجتماعی طبقه‌بندی می‌شوند. ما در هر دو یک بحران خوابادگی رویه و حساسیت که فرد در مواجهه با آن ممکن است دست خالی بماند. بحران‌ها با گام یک بحران اجتماعی داریم که خودی است. بحران‌ها با گام یک بحران اجتماعی است. در واقع بحران یک حالت استرس است که در همین دلیل نیاز به پاسخ فوری دارد. در واقع بحران یک حالت استرس است که در همین دلیل نیاز به پاسخ فوری دارد. در واقع بحران یک حالت استرس است که در همین دلیل نیاز به پاسخ فوری دارد. در واقع بحران یک حالت استرس است که در همین دلیل نیاز به پاسخ فوری دارد.



مجددین

مجددین

مجددین

مجددین